

برخی یادداشتها پیرامون زوایای پنهان انتخابات ریاست جمهوری افغانستان

چگونه گی برگزاری و نتایج انتخابات ریاست جمهوری افغانستان در روزنامه های داخلی و رسانه های جهان بازتاب وسیع یافته، از زوایای مختلف مورد بررسی قرار گرفته و نهادهای ناظر بر انتخابات، صاحب نظران، فعالان سیاسی و تحلیلگران امور از دیدگاه های مختلف به آن پرداخته اند که میتوان با مطالعه و بررسی این نوشته ها، گزارشها و تحلیلهایی که از سوی آنان در زمینه ارایه شده است نتایج لازم را استنتاج و بدست آورد.

منظور از این یادداشتها، نه تحلیل و بررسی و نی سره کردن خوب از بد این روند است، بل درنگیست کلی و مؤجز، به منظور روشن ساختن برخی از زوایای پنهان این روند.

امنیت و انتخابات:

سازمان دهنده گان «انتخابات ریاست جمهوری اسلامی افغانستان!»، مطابق سناریوی از قبل تنظیم شده، به تاریخ ۲۹ اسد ۱۳۸۸، خورشیدی مطابق ۲۰ اگست ۲۰۰۹، در فضای پُر از ترس، اضطراب، تهدید و بی باوری، در حالی کار رای دهی را آغاز نمودند، که از جمله ۳۶۸ ولسوالی کشور، ۱۲۵ آن قبل از آغاز رای دهی برای انتخابات ناامن اعلام گردیده بود. در اغلب این ولسوالیهای ناامن «طالبان» حکمروایی دارند.

مطابق گزارش رسمی «کمیسیون مستقل انتخابات افغانستان»، برای ۱۷ میلیون، ۱۹۷ هزار نفر کارت رای دهی توزیع گردیده بود. (سایت کمیسیون مستقل انتخابات ریاست جمهوری اسلامی افغانستان)

ظاهراً ، ۲۳۴۲۹۹ نفر برای نظارت بر انتخابات ثبت نام کرده بودند که از جمله، ۴۴۲ نفر آن ناظران بین المللی بودند. به گفتهٔ وزیر داخله افغانستان، شمار قابل ملاحظه‌یی از ناظران خارجی به علت نبود امنیت موفق به حضور در مراکز رای دهی برای نظارت نشده بودند.

بر خلاف تبلیغاتی که امریکا - ناتو در ارتباط به تأمین امنیت روند انتخابات راه انداخته بودند، امنیت محلات و مراکز رای دهی تأمین نگردیده بود. بر اساس گزارشهای رسمی مقامات دولت افغانستان ، در جریان انتخابات بیشتر از ۱۳۵ مورد حملهٔ انتحاری، انفجار و راکت اندازی صورت گرفت. در روز انتخابات ۲۶ نفر شهید و ۵۳ تن زخمی گردیده است که ۱۱ عضو کمیسیون هم در جملهٔ کشته شده گان اند. (کنفرانس مطبوعاتی وزیر دفاع جمهوری اسلامی افغانستان / بی بی سی - ۳۰ اسد ۱۳۶۶) ولی منابع غیر دولتی تعداد تلفات انسانی را به مراتب بیشتر از این رقم گزارش داده اند.

مطبوعات دولتی داخل کشور و رسانه های "پروپاگاندچی" غرب تا قبل از انتخابات از اشتراک وسیع و گستردهٔ مردم در این روندی که راه افتاده بود خبر میدادند و اشتراک همه گانی و گستردهٔ مردم را در رای دهی پیشبینی نموده بودند، چنانچه "پیترگالبریت"، معاون نماینده سرمنشی ملل متحد در یک کنفرانس مطبوعاتی، یک هفته قبل از روز برگزاری انتخابات در ولایت کندز گفت: «۹۵ درصد مردم افغانستان در انتخابات شرکت خواهند کرد، صرف ۵ فیصد از مناطق کشور که ناآرام اند، رای دهنده گان نخواهد داشت.» همچنان رئیس دارالانشأ «کمیسیون مستقل انتخابات» طی مصاحبه‌یی گفت: «شمار اشتراک کننده گان مطمئناً بالاتر از گذشته خواهد بود».

به اساس ارقام رسمی دولت، در نخستین «انتخابات ریاست جمهوری اسلامی» که به تاریخ نهم اکتبر سال ۲۰۰۴ برگزار گردید و در آن ۱۸ تن برای احراز پُست ریاست جمهوری خود را کاندید نموده بودند، ۷۶ فیصد کُل ثبت نام کننده گان در انتخابات شرکت کرده بودند و حدود ۱۰ میلیون کارت در انتخابات توزیع شده بود. (سایت کمیسیون مستقل انتخابات ریاست جمهوری اسلامی افغانستان)

نارضایتی عمومی از عملکرد نظام حاکم بر کشور، **نبود اعتماد** به دولت، **ناکامی ناتو** در ایجاد صلح و امنیت، **تهدیدهای** مخالفین دولت و درک مردم از ماهیت اغواگرانه انتخابات و تحریم فعال این روند از سوی بخشهای آگاه مردم عمدتاً باعث شد تا برخلاف انتظارات حاکمان داخلی و خارجی افغانستان تعداد شرکت کننده گان در انتخابات بی نهایت کمتر از حد پیشبینی آنها باشد.

براساس گزارشهای محلی، در ولایات کندز، فاریاب، بادغیس، نورستان، لوگر، پکتیا، خوست، پکتیکا، غزنی، ارزگان، قندهار و فراه کمتر از ۵ فیصد رای دهنده گان اشتراک نموده اند. در سایر ولایات تعداد اشتراک کننده های انتخابات از ۱۰ فیصد بالاتر نبود.

با آن که «کمیسیون مستقل انتخابات افغانستان»، تعداد رای دهنده گان را «به صورت تخمینی ۴۰ - ۳۵٪» فیصد اعلام نموده است ولی این رقم یک رقم کاملاً تبلیغاتی بوده، فیصدی واقعی اشتراک کننده گان به مراتب کمتر از این است.

از آنجایی که تعدادی قابل ملاحظه صندوقهای رای دهی پس از انتخابات به وسیله طالبان و اشخاص با نفوذ در مراکز رای دهی و جریان انتقال از بین رفته و هم تقلب و جعلکاری گسترده و سازمان داده شده در این روند صورت گرفته است، ارقام واقعی اشتراک کننده گان به هیچ وجه به دست نخواهد آمد.

تقلب و تخلفها در انتخابات:

قبل از آنکه گوشه هایی از تقلبها، جعلکاریها، فریبها و تخلفها را که در روند انتخابات و رای دهی صورت گرفته اند برشماریم، مفید دانستیم تا به برخی از ابراز نظرها و دید گاه های نهادهای مشمول در این پروسه و کاندیدان ریاست جمهوری افغانستان مکشی مختصر بداریم.

"فیفا"، یک نهاد موسوم به «بُنیاد انتخابات آزاد و عادلانه افغانستان» میگوید:

«چندین نوع تقلب با درجه های متفاوت در جریان انتخابات دیده شده، مداخله ها و عدم بیطرفی کارمندان کمیسیون انتخابات و رای دادن مردان به نیابت از زنان از جمله تقلبها بود».

این بنیاد اعلام نمود که: «میزان مشارکت مردم کم بود، رای گیری در شماری از مناطق به تأخیر آغاز شد، بعضی از مراکز رای دهی از ساعت ۶،۳۰ تا ۹ صبح همان روز تحت حملات شدید مخالفین دولت قرار داشت، شماری از مراکز رای دهی مورد حمله های راکتی قرار گرفت که در نتیجه یک تعداد مراکز رای دهی در ولایات کنر، بغلان، کابل، زابل، لوگر، کندهار، میدان، وردک و غزنی مسدود شدند».

رئیس "فیفا" آقای نادری، گفت: «برعلاوه دو کاندید ریاست جمهوری، شماری از قوماندانان و بعضی از اعضای شوراهای ولایتی مردم را به زور مجبور می ساختند تا برای شان رای دهند، در این مورد اسناد و شواهد در اختیار است».

۵۶۰ مرکز رای دهی مربوط به زنان که قرار بود باز شوند در روز رای دهی باز نشد، **شواهدی از پر کردن غیر قانونی صندوقهای آراء در دست است».**

رئیس گروه ناظرین انتخابات آسیا، به تاریخ اول سنبله ۱۳۸۸ خورشیدی اعلام نمود که: «هیچ کاندید مطرح از سوء استفاده از امکانهای منابع دولتی عاری نبوده است، اعمال نفوذ از سوی سران قومی و اشخاص با نفوذ، استفاده از منابع دولتی به نفع یک کاندید، پائین بودن کیفیت رنگ، داشتن چند کارت رای دهی، رای دادن اشخاص غیر واجد شرایط، از جمله مواد منفی در پروسه انتخابات و رای دهی بود».

«مؤسسه بین المللی جمهوریخواهان در امریکا»، با صدور بیانیه یی بعد از ختم انتخابات اعلام کرد:

«متأسفانه بعضی از مشکلات مانند کم بودن تعداد رای دهنده گان، تقلب و سوء استفاده از منابع دولتی باعث شد استاندارد این دوره از انتخابات کمتر از انتخابات سال ۲۰۰۴ باشد».

رادیو بی بی سی، به تاریخ ۲۷ اسد، اعلام نمود که:

«شواهدی حاکی از اقدام برای تقلب و فساد در روند انتخابات ریاست جمهوری افغانستان در دست است، بنابر شواهدی که به دست بی بی سی، رسیده، هزاران کارت رای دهی به فروش گذاشته شده و برای خریداری آرای مردم هزاران دالر مصرف شده است» .

انستیتوت دموکراتیک ملی، که یک سازمان غیر دولتی میباشد، اعلام نمود که: «درانتخابات تخطی شده است: ثبت نام افراد فاقد شرایط، سوء استفاده از امکانات دولتی، رای دادن به عوض یکدیگر، برهم زدن وضعیت امنیتی، ایجاد موانع از آمدن مردم به مراکز رای دهی، برگزیدن اعضای «کمیسون مستقل انتخابات» توسط رئیس جمهور بدون در نظر داشت قانون استخدام که باعث تحت سوال بردن استقلالیت کمیسیون گردیده است از جمله تخطیهای اند که صورت گرفته».

اشرف غنی احمدزی، کاندید «مطرح» در انتخابات اظهار نمود که: «نیروهای امنیتی نتوانستند امنیت انتخابات را تأمین کنند و در نتیجه مردم نتوانستند در انتخابات اشتراک نمایند. در جاهاییکه مردم نتوانستند رای بدهند، جای رای آنها را بد بختانه قلب پُر کرد».(بی بی سی / ۲۹ اسد ۱۳۸۸)

سرور احمدزی یکی از نامزدهای ریاست جمهوری در یک نشست خبری بعد از ختم انتخابات در کابل گفت:

«۱۷۰ مورد شکایت را درباره تخطی و تقلب در انتخابات دریافت کرده است، براساس گزارشهای رسیده به او، تنها حدود ۱۰ درصد رای دهنده گان در انتخابات شرکت کردند.»

رمضان بشر دوست که توانسته برغم تمام امکانهای کمی که به صورت آشکار در اختیار داشت و توانست رای قابل ملاحظه را نصیب گردد میگوید: «این جریان بیشتر به یک کمیدی می ماند تا به یک انتخابات صحیح و واقعی».(مصاحبه بشر دوست با تلویزیون آریانا)

عبداله - عبدالله از نامزدهای «مطرح» انتخابات ریاست جمهوری به تاریخ ۲۵ اگست ۲۰۰۹، در یک کنفرانس خبری در کابل گفت:

«گزارشهای زیادی در مورد تقلب و تخلفها در روند رای دهی به آنها رسیده است و در شماری از مراکز، تقلب به نفع حامد کرزی صورت گرفته است، این موضوع را از راه قانونی پیگیری خواهد کرد. «گسترده گی تقلب» او را وا داشت تا شکایتهای خود را با مردم افغانستان شریک کند».(بی بی سی - اول سنبله ۱۳۸۸).

همه گزارشها و ابراز نظرها گواه بر آن است که تقلب، جعلکاری، سوء استفاده از امکانات دولتی و دخالت زورمندان به مقیاس وسیع و سازمان داده شده در این انتخابات صورت گرفته است.

مزید بر تقلب و جعلکاری در انتخابات، تلاش آشکار و رسمی برای اعمال نفوذ بر جریان انتخابات از سوی مقامات دولتی، پرداخت رشوه های مالی برای رؤسای قبایل، قوماندانهای جهادی متنفذین محلی و مذهبی از طرف ستادهای انتخاباتی به قصد تقلب در انتخابات به نفع کاندیدان مشخص، استفاده از کارت قومی برای چانه زنیهای سیاسی به منظور امتیاز گیریهای شخصی و دریافت قدرت و ثروت، عقد و امضای قرارداد نامه ها و تعهد نامه های که در برگیرنده سپردن امتیازات شخصی به طرفهای معامله (جنگسالاران، رؤسای قبایل و افراد ذی نفوذ) میباشد، به مزایده گذاشتن کرسیهای کابینه از طرف کاندیدان مطرح برای گروه ها و اشخاص ذی نفوذ قومی - جهادی! گوشه های دیگری از این کمیدی امریکا - ناتو به شمار می رود.

احزاب سیاسی و انتخابات:

تا اکنون حدود ۱۰۶ حزب سیاسی رسماً در وزارت عدلیه افغانستان به ثبت رسیده است، به پندار ما تعدد بیش از حد احزاب سیاسی در کشور بیش از آن که بیانگر آزادی سیاسی باشد عمدتاً ناشی از بی ثباتی وضع و حاکم بودن انارشیزم کنترل شده در کشور است.

با آن که اغلب این احزاب در چوکات پروژه های معین امریکا - ناتو ایجاد گردیده و تعدادی از احزاب اسلامی هم بازسازی شده است ولی تا حدودی کثرت احزاب سیاسی و نهادهای اجتماعی بیانگر وضعیت اجتماعی و شگافهای قومی، زبانی، سمتی، مذهبی، طبقاتی و اجتماعی متنوع و پیچیده جامعه کنونی افغانی هم میباشد. گرچه همزمان با حضور امریکا - ناتو در افغانستان اغلب این نهادها شکل گرفتند اما در انتخابات نتوانستند هیچ گونه نقش مؤثر و مثبت را ایفا بدارند.

در کارزار انتخاباتی به جای احزاب سیاسی، «گروه های ذینفع» که آمیخته از احزاب و شبکه های سیاسی - مذهبی و گروه های ذینفوذ اند عمل می نمودند. این گروه ها فقط در اندیشه رهیابی به اهرم قدرت، به دست گرفتن و مشارکت در قدرت و مطرح ساختن خود در معامله

های سیاسی بعدی نظام حاکم بر سر تقسیم قدرت بودند نی در فکر آن چیزی که برنامه گونه‌ آرایه نموده بودند.

ناتوانی و غیر مؤثر بودن احزاب سیاسی در روند انتخابات و کنار کشیدن آنها از پروژه «انتخابات ریاست جمهوری اسلامی افغانستان» از سوی طراحان و سازماندهنده گان این پروژه، نشان میدهد که حاکمان داخلی و خارجی افغانستان به هیچ وجه طرفدار شکل گیری و ایجاد حداقل پایه های نهادهای دموکراتیک در کشور نیستند.

با آن که از جمله ۴۲ تن کاندیدان ریاست جمهوری (۹) تن آن از احزاب سیاسی نماینده گی مینمودند ولی در عمل تمایل آن را نداشتند تا از حزب و سازمان مربوطه خویش دفاع کنند، اصول اندیشه یی - سیاسی آن را تبلیغ و از آن نماینده گی بدارند.

این واقعیت را باید پذیرفت که رویدادهای سه دهه اخیر باعث شده که مردم کمتر علاقمند کسب عضویت احزاب میباشند، اغلب رای دهنده گان رای خود را به **چهره ها و اشخاص** به صندوقهای رای ریختند نه به اساس تعلقهای کاندید به یک حزب مشخص.

کمتر کسی از کاندیدها به طور مشخص بر حقوق شهروندی و حقوق بشر، آزادیهای سیاسی، حمایت از جامعه مدنی، ایجاد بنیادهای دموکراتیک، پایه گذاری اساسات نظام دموکراتیک و استقلال و حاکمیت ملی تاکید نمودند.

حتی کاندیدهایی که ادعای دموکرات و مترقی بودن را مینمودند، نتوانستند تناقضهایی را که از لحاظ باورهای اعتقادی و روشهای سیاسی خود دارند به طور واضح و شفاف باز کنند. اغلب این کاندیدها در حضور مخاطبان خود از حمایت «جهاد و مجاهدین!» و دفاع از ارزشهای اسلامی و تطبیق اصول و شریعت اسلامی سخن گفتند، اینها در مقام یک سیاست مدار "دموکرات" نخواستند حتی مرزها میان نگرشهای ارتجاعی افراطی خرافاتی را با مبانی و مفاهیم دموکراتیک و حقوق بشر و جامعه مدنی تفکیک و توضیح بدارند.

میزان پولی که از سوی حامیان مبارزات انتخاباتی کاندیدان، به منظور جلب آرای مردم در محافل، صرف غذا، توزیع مساعدت به مراکز آموزشی و مساجد و امثالهم مصرف گردیده

است، نشانی از آن دارد که آنها بدون صرف مصارف هنگفت، توانایی جلب آگاهانه و داوطلبانه آرای مردم را ندارند.

هیچ کاندید از جمع کاندیدهای که ادعای دموکرات و مترقی بودن را می نمودند برنهادینه ساختن مفاهیمی که باعث انتقال حل معضله های کنونی کشور از بسترهای سنتی به میدان مدنی جدید شود، حرف نزده است، عجب تر این که کاندیدی که خود را ترقیخواه و دموکرات می خواند بیشتر از همه در سخنرانیهایش خود را متعهد به طرح و تدوین قوانین مطابق "اصول شریعت اسلامی" می دانست.

هیچ کدام اینها برنامه های مدون و سازگار با واقعتهای موجود کشور و از قبل تنظیم شده نداشتند.

معامله های سیاسی، منفعتهای شخصی و جنون قدرت باعث آن گردید تا در آستانه انتخابات تمام ائتلافها، اتحادهای قبلی، جبهه های سیاسی و احزاب به انشعابهایی متعدد درونی و چند دسته گی مواجه گردند.

مؤجز اینکه:

انتخابات واقعی یکی از نشانه های دموکراسی در جامعه به شمار میرود و معیار برای آزاد بودن و درجه دسترسی به حقوق شهروندی است. مردمی که دارای حقوق شهروندی میباشند و در چوکات یک نظام واقعاً دموکراتیک و قانونمند زنده گی می نمایند میتوانند نقش سازنده و تغییر دهنده را در پروسه انتخابات ایفا بدارند و مختار و آزاد هستند که مطابق منافع و اراده اکثریت مردم خویش نظام حکومتی خود را انتخاب، برنامه و مشی اساسی حرکت آن را تعیین نمایند.

دموکراسی واقعی که بتوان از طریق عملکرد آن، اراده واقعی مردم را در دایره قدرت تبارز داد، از آرمانهای اساسی جنبش چپ میباشد، ولی تمام بررسیها، اسناد، شواهد و دلایل باردیگر نشان میدهد که در نظام حاکم موجود هیچ نوع زمینه های واقعی و شرایط لازم برای تبارز دادن اراده مردم و پیش کشیدن مطالبات آنها وجود ندارد.

مردم می خواهند بدانند که:

آیا صلح، ثبات و امنیت لازم برای برگزاری **انتخابات سراسری** در کشور تأمین گردیده بود؟

آیا یک **دولت مرکزی**، قانونمند و مشروع که بتواند شرایط لازم را برای برگزاری انتخابات فراهم بدارد وجود داشت؟

آیا مردم افغانستان از **حداقل حقوق شهروندی** برخوردار میباشند؟

آیا در افغانستان یک **نظام آزاد، دموکراتیک و قانون مند** وجود دارد؟

آیا مردم توانستند **مطابق اراده خویش** رای خود را استعمال بدارند؟

آیا **مداخله قدرتهای خارجی** در روند **انتخابات** جریان ندارد؟

آیا **امکانات عملی و برابر**، برای شرکت آزادانه در مباحثات و ابراز نظرها وجود داشت؟

آیا زحمتکشان کشور **ابزارهای لازم و ضروری** را برای حضور یابی در وضعیت سیاسی جاری در اختیار دارند؟

آیا در شرایطی که نیروهای نظامی بیش از ۴۰ کشور در وطن ما حضور دارند و سرزمین ما روزهای دشوار **اشغال** را سپری می نماید، امکان نظارت بیطرفانه، آزاد و دور از فشارمقدور است؟

اگر پاسخ به این پرسشها منفی است در آن صورت تصور راه اندازی یک انتخابات شفاف، شایسته، عادلانه، آزاد، دموکراتیک، غیر وابسته و بی طرف در وضعیت جاری در افغانستان، خواب است و خیال است و محال است.

«از کوزه همان تراود که در اوست».

www.ayenda.org